

ادامه از صفحه ۱۴

خاطره هاشمی از بهشتی زائیده ذهن من است

با اینکه از نظر ما به این شکل همه چیز خیلی مصنوعی می‌شد اما با اصرار ایشان پذیرفتیم و شخصی آمد که انصافا صدای آقای هاشمی را خوب تقلید می‌کرد. اما خب من و کمال تبریزی می دانستیم این صدای اصلی و مطلوب ما نیست، جدایی از اینکه بسیاری متوجه خواهند شد این صدای آقای هاشمی نیست، حس و حالی را هم که مدنظر ما بود نداشت. قرار شد در مورد این موضوع با خود مرحوم هاشمی صحبت کنم. با ایشان در مورد این موضوع صحبت کردم که فیلم زبان حال شماسست و شخص دیگری نمی‌تواند این کار را انجام دهد که در نهایت راضی شدند. روزی که قرار شد آقای هاشمی گفتار متن را بخوانند، فکر کردیم بهتر است در اتاق دوربین‌ها را روشن کنیم تا تصویری هم از این بخش داشته باشیم. زمانی که ایشان شروع به خواندن متن کرد، پاراگراف اول را که خواندند این‌قدر منقلب شدند که گریه امناشان نداد و کار متوقف شد. از دوستان همراهِ خواهش کردم از اتاق بیرون بیایند تا شرایط کار دوباره فراهم شود. بعد از چند دقیقه خبر دادند حال آقای هاشمی بهتر است و گفتند دوباره شروع کنیم. اما بعد از مدتی دوباره همان اتفاق تکرار شد. فکر کردیم به این شکل نمی‌شود ادامه داد، با کمال تبریزی مشورت کردم و به این نتیجه رسیدم صحنه را آماده کنیم، دوربین‌ها روشن باشند و آقای هاشمی تنها در اتاق گفتار متن را بخواند. اما باز هم مثل قبل ایشان به گریه افتادند، تا اینکه در نهایت بدون حضور دوربین، تنها از ایشان خواستیم که متن را بخواند و هیچ فردی در اتاق نباشد. به‌رحال ایشان طی سال‌ها سختی‌های بسیاری دیده است، طبعاً نباید واکنش‌شان این‌طور می‌بود و آن‌قدر احساساتی شوند، همان زمان حس کردم ما کارمان را درست انجام داده‌ایم و نکته‌ای که در ابتدای صحبت‌هایم به آن اشاره کردم، مبنی بر اینکه می‌خواهیم آینه‌ای مقابل آیت‌الله بگذاریم اتفاق افتاده است. اتفاقا در فیلم انتخاباتی آقای خاتمی در دور دوم ریاست‌جمهوری او در سال ۸۰ هم همین اتفاق افتاد. در آنجا گفته شد که لحظه بغض‌کردن آقای خاتمی را از فیلم حذف کنید اما توصیه من این بود که اتفاقا این صحنه سه بار باید در فیلم تکرار شود، دلیل من هم این بود که مردم ما دوست دارند شکست روحی و عاطفی چنین شخصیت‌هایی را ببینند، متوجه شوند که این فرد دلپسته این قدرت نیست و این بغض حرف‌های بسیاری دارد که خوشبختانه پذیرفته شد و در فیلم سه بار گریه آقای خاتمی را می‌بینیم. اتفاقا خاطراتی هم از بزرگان دینی خودمان داریم که چنین مواردی در آن مستتر است. هرچند این شخصیت‌ها با هم قابل مقایسه نیستند. مثلاً در مورد حضرت امیر، نقل‌قول‌های بسیاری از جنگ‌ها و رشادت‌های ایشان شنیدیم، اما داستان معروفی است که روزی امام علی(ع) زنی مشک‌به‌دوش را که همسرش در یکی از جنگ‌ها مقابل او کشته شده در حال توهین‌کردن به خود می‌بیند. ایشان خود را معرفی نمی‌کنند، مشک این‌زن را می‌گیرند به خانه او می‌روند و به زن کمک می‌کنند. زمانی که حضرت امیر هی‌زم‌ها را در تکر می‌گذاشتند، صورت خود را به آتش نزدیک می‌کردند و به خودش‌ان می‌گفتند بچش، تو والی کشوری هستی که شهروندان‌ت در سختی زندگی می‌کنند، هر چند همسر دشمنت باشد. باور کنید مهری که از امیرالمؤمنین از این ماجرا به وجود می‌آید، وجدانی‌تر است. چه ایرادی دارد سیاست‌مداران ما گاهی بغض یا گریه کنند و حتی اقرار کنند که اشتباه کرده‌اند؟ ما که توقع یک معصوم را از آنها نداریم.

۲۱ بعد از ضبط صدا، چقدر طول کشید تا فیلم آماده شود؟

بعد مشغول انجام سایر کارهای فنی فیلم شدیم. حس کردیم که فیلم به موسیقی ایرانی و البته آرامی نیاز دارد که آریا عظیمی‌نژاد، موسیقی آن را ساخت. کار که تمام شد، به مهدی هاشمی زنگ زدم او به همراه یکی از خواهرهای خود و دو نفر دیگر آمدند. فیلم را در اتاقی بخش کردیم و من و کمال تبریزی هم از اتاق بیرون آمدم، یکی، دو باری که از کنار در اتاق رد شدم صدای گریه شدید را شنیدم. بعد از اتمام فیلم، خیلی منقلب شده بودند و خیلی ابراز احساسات کردند. کمی که آرام شدند، گفتند ممکن است ما چند نفر دیگری را هم بیاوریم که فیلم را ببینند. ما هم قبول کردیم، آنها رفتند و حدود ۲۰ نفر از اهالی رسانه و سیاست‌مدار را دعوت کردند و فیلم را دیدند. همان اتفاق مجدداً افتاد. بعد گفتند بهتر است فیلم را به تعدادی جوان هم نشان دهیم، باز هم همان اتفاق افتاد که دیگر یقین کردند فیلم می‌تواند با مردم ارتباط برقرار کند. بعد هم که فیلم در زمان تبلیغات بین مردم پخش شد.

۲۲ واکنش شخص آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به این فیلم چه بود؟

فیلم را با ایشان ندیدم. به هر حال زمان انتخابات بود، در شلوغی و هیاهوی آن زمان و گرفتاری‌هایی که آنها داشتند، فرصت دیدن فیلم با او دست نداد.

۲۳ قطعاً خودتان خیلی دوست داشتید که این لحظه واکنش او را ببینید.

راستش را بخواهید نه. من فکر می‌کردم این کار درست اتفاق افتاده است و همین برای من کافی بود. اما یک نقل قول از پسر ایشان شنیدم که مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به او گفته روزی که از دنیا رفتم، این فیلم را به عنوان وصیت‌نامه‌ام پخش کنید. فکر کنم این حرف ایشان، یاداشی بود که بابت کارمان گرفتیم.

politics@sharghdaily.ir

ادامه از صفحه ۳

دوم، تصمیم‌گیر در تصمیم‌گیری از ال‌گوگیری از گروه‌های برون سازمانی استفاده کرده و حتی برخی اوقات از افراد خارج از سازمان هویت‌پذیر می‌شود. سوم، در انسان‌ها تمایل به نزدیک‌بینی ذهنی وجود دارد و چهارم، انسان غالباً به سادگی علل سببی می‌پردازد.

۸ سال‌های جنگ طولانی

جنگ طولانی ایران و عراق از شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد و با آتش‌بس دوجانبه مابین دو کشور به‌لحاظ نظامی در مرداد ۱۳۶۷ پایان پذیرفت. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان سخنگوی شورای عالی دفاع در همان زمان گفت که جمهوری اسلامی ایران قطع‌نامه ۵۹۸ را به‌طورکلی رد نکرده است... پس از کنش‌وقوس‌های فراوان مذاکراتی و عدم تمایل عراق به انجام مذاکرات سه‌جانبه دبیرکل ملل متحد را واداشت تا در جلسه مذاکرات سه‌جانبه در سوم اردیبهشت ۱۳۶۸ در ژنو تلوپحا به شکست مذاکرات اعتراف کند. در دی ۱۳۶۸ صدام حسین پیشنهاد کرد که مذاکرات مستقیم بین ایران و عراق شروع شود. ایران این پیشنهاد را رد کرد. در اردیبهشت ۱۳۶۹ نامه‌ای از سوی صدام‌حسین و یاسر عرفات خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به تهران رسید. آقای هاشمی پاسخ این نامه را داد. درمجموع ۱۲ نامه در این روند تبادل شد. نهایتاً در مرداد ۱۳۶۹ نیروهای عراقی رسماً از خاک ایران عقب‌نشینی کردند. درحالی‌که در همان ماه، صدام حسین حمله خود را به کویت آغاز کرده بود.

رفتار سیاسی هاشمی‌رفسنجانی

در خلال نامه‌نگاری رئیس‌جمهوری عراق و رئیس‌جمهوری ایران می‌توان به برخی از شاخص‌ها و وضعیت روحی و فکری آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی پی برد. من در اینجا چند نمونه از آن را فهرست می‌کنم. اولین آن باورداشتن به اصول اسلامی است. باور هاشمی به اصول اسلامی و اعتقاداتش او را وادار می‌کرد تا آنجا که ممکن است از اصول این دین تخطی نکند. به همین دلیل در جای‌جای نامه‌های خود به صدام از آیات قرآنی استفاده می‌کند. در این نامه‌ها و به سرنوشت جهان اسلام توجه کرده و از صدام به‌دلیل استفاده نادرست از سرنوشت جهان اسلام و امت عربی انتقاد می‌کند.

دوم، برای هاشمی ارزش‌ها چراغ راه بود و در نقشه ذهنی او همواره به آنها توجه می‌شد. در سراسر نامه‌ها به مسئله فلسطین توجه خاص شده است. درحالی‌که صدام هم در آن زمان خود را در جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی می‌دانست. اما برای هاشمی، تاکید بر مسئله فلسطین یک ارزش تلقی می‌شد. نکته دیگر، اولویت‌دادن به منافع ملی ایران است. تاکید بر کوچک‌ترین منفعت از جمله خاموش‌کردن یکی از جابه‌های نفتی ایران در نزدیکی مرز تا یکی از بزرگ‌ترین منافع ایران، یعنی حاکمیت بر اروندرود برای او اهمیت دارد. دیگری تاکید دوباره بر محکومیت رفتار صدام در قبال کویت است. تجاوز یک کشور به کشور دیگر از نگاه هاشمی عملی غیرقابل‌قبول محسوب می‌شد. اما در نامه‌های آقای هاشمی حرکت صدام در قبال کویت به‌عنوان تجاوز شناخته‌شده و آن را محکوم کرده است. سوم، هاشمی دارای ایستارهای مخصوص خودش بود؛ ازجمله کمترین ترسیدی. زندگی او نشان می‌دهد

چگونه در برابر شکنجه‌های ساواک ایستادگی کرده است. همچنین در جنگ تحمیلی او اکثراً در نزدیکی جبهه‌ها به فرماندهی جنگ می‌پرداخت. در نامه‌نویسی به صدام این موضوع مشخص است. البته این نترسیدن آگاهانه بود. آنجا که منافع کشور در میان بود، حساسیت و نگرانی‌های او اوج می‌گرفت. توانمندی این سیاست‌ورز نیز تا اندازهای در خلال نامه‌ها مشخص است. چهارم، نقشه ذهنی هاشمی‌رفسنجانی مانند پارالی بود که بیشتر قطعات آن چیده شده بود. او در این نامه‌ها

در پی آن است که تهدید را از مرزهای ایران دور کرده و تمامیت ارضی ایران را مجدداً محقق کند. همچنین در قطعه‌ای دیگر او دنبال شناسایی عامل شروع‌کننده جنگ و تعیین متجاوز بود و در قطعه‌ای دیگر، در پی بازسازی و توسعه ایران. کنارهم‌چیدن این قطعات در ذهن او میسر شده بود.

پنجم، درک هاشمی‌رفسنجانی از رفتار صدام‌حسین و دولت عراق مبتنی بر تجربیات او در گذشته بود. او در گذشته، جامعه عراق را مانند کشورهای متعدد دیگری دیده بود و از طرف دیگر، با چندوچون ادراک دیکتاتور‌ها از جهان خارج از ذهن خودشان آشنایی داشت. سال‌های زندان و شکنجه به او آموخته بود در نگاه یک دیکتاتور، چگونه هر موضوع ساده‌ای می‌تواند به ادراکی از تهدید ترجمه شود. به همین دلیل، در نامه‌های خود سعی بر آن داشت که از اضافه‌کردن مفاهیم و موضوعات غیراستراتژیک خودداری کند. درحالی‌که در آن دوره، صدها و صدها موضوع و حادثه بود که می‌توانست از سوی هاشمی در نامه‌ها آورده و بر اساس آن صدام را متهم یا از او کله‌گزاری کند.

ششم، در روابط بین‌الملل، ادراک از تهدید مهم شمرده می‌شود. سوهرداشت از آن چیزی که تهدید نیست، موجب گمراهی برخی از رهبران رافسنجانی می‌شود. دولتمردان در خلال جنگ، زیر فشارهای روان‌شناختی سنگینی قرار می‌گیرند که این امر بر کیفیت فرایند تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارد. هرچند پیش‌بینی سرشت این تصمیم‌ها کار دشواری است؛ ولی به نظر می‌رسد بروز خطاها، احتمال جنگ را افزایش می‌دهد. هفتم، روان‌شناسان ادراک را نوعی از هوشیاری بیکارچه حاصل از مجموعه‌ای از فرایندهای حسی و درواکنش

سیاست



به یک انگیزتار یا محرک تلقی می‌کنند. مجموعه ادراکات فردی، به شکل مؤثر می‌تواند منجر به تعریف یک وضعیت ادراکی جمعی شود و از این دیدگاه، می‌توان برداشت کرد که ادراک از تهدید، یا به عبارتی خود تهدید، یک سازه اجتماعی است که حاصل تعامل عمومی و خصوصی افراد، متخصصان، نخبگان سیاسی و تصمیم‌سازان سیاسی است. هاشمی‌رفسنجانی برای ارزشیابی ادراک خود از رفتار عراق، به ابزارهای متعددی متوسل شد. علاوه بر مشورت با مقام معظم رهبری، در آن دوره شورای عالی امنیت ملی به‌شدت فعال بود.

جلسات متعددی با دستورجلسه نامه‌های صدام و پس از آن حمله عراق به کویت، به ریاست هاشمی‌رفسنجانی تشکیل شد. ستاد سیاسی جنگ تحمیلی در وزارت امور خارجه تلاش می‌کرد همه اطلاعات و تحلیل‌ها را از کشورهای مختلف جمع‌آوری کند.

هشتم، بیشتر پژوهش‌ها نشان دهنده وجود رابطه‌ای غیرخطی میان تنش و کیفیت تصمیم‌گیری هستند. در دوره تنش، هرچند اطلاعات فراوان‌اند؛ اما روشن نیستند. فشار زمانی بسیار مهم است. تصمیم‌ها باید فوری گرفته شوند. افرادی که ناچار خواهند بود ساعت‌ها کار کنند، با کمبود استراحت و انرژی نیز مجبورند کار خود را دنبال کنند. آگاهی از این امر که میلیون‌ها نفر ممکن است جان خود را به دلیل دستورهای تصمیم‌گیران از دست بدهند، فشارهایی باورنکردنی ایجاد خواهد کرد. هاشمی‌رفسنجانی از معدود مدیرانی بود که فشارهای امری پرتنش بر او کمتر تأثیر می‌گذاشت. در دوره جنگ ایران و عراق، مثل دوران زندان قبل از انقلاب، تلاش داشت دیگر فرماندهان را از به‌دام‌افتادن در بحران‌های روان‌شناختی برهاند.

نهم، هنجارها رفتارهای معینی هستند که بر اساس ارزش‌های اجتماعی قرار دارند. ارزش‌های اجتماعی به‌تدریج به صورت هنجارهای اجتماعی درمی‌آیند و با رعایت‌کردن آنها، جامعه انتظام پیدا می‌کند. هاشمی درعین‌حال که در استدلال جدی است، به‌طرف مقابل توهین نمی‌کند. در جنایت بزرگ صدام در شهیدکردن و مجروح‌کردن صدها هزار جوان ایرانی شکی نیست، اما هاشمی به‌صورت محترمانه با او برخورد می‌کند. حتی محترمانه‌تر از مبتکر نامه‌نویسی که هنجار آن است که او باید بیشتر مواظب باشد.

دهم، نامه‌های هاشمی‌رفسنجانی موقعیت او در فضای اجتماعی آن زمان را نشان می‌داد. اندیشه انسان و در نتیجه، تصمیم‌گیری‌های او، تابع مجموعه‌ای از عوامل مختلف مثل موقعیت او در فضای اجتماعی است. برداشت طرف مقابل از آقای هاشمی این بود که این فرد در کار خود جدی است. عراقی‌ها می‌دانستند که ویژگی شخصیتی هاشمی آن است که در شرایط سختی و فشار ایستادگی می‌کند و در میانه مشکلات فلج و دودل نمی‌شود. همچنین اتکا به

مردم از جمله مواردی است که در خلال نامه‌ها به‌خوبی مشهود است. مردم‌سالاری در نگاه این سیاست‌مدار به‌صورت جدی از راه‌های برون‌رفت از دام صدام است. او به‌خوبی خاطرنشان می‌کند که مردم ایران همچنان آماده دفاع از کشور هستند.

یازدهم، نکته مهم در رفتار سیاسی هاشمی، آمادگی پرداخت هزینه بود. در نظریه‌های روان‌شناسی سیاسی بین دو مفهوم تمایز قائل هستند: نشانه‌های هزینه‌بر و حرف مفت. رفتاری که هیچ هزینه‌ای دربر نداشته باشد توسط هر نوع بازیگری قابل انجام است و در نتیجه ساده‌ای به‌همراه ندارد؛ مثلاً بیان اهداف و مقاصد کار ساده‌ای است، چراکه هم صدام و هم سیاست‌مداری که به‌واقع متعدد به صلح است به میزان یکسانی می‌توانند ادعای اهداف صلح‌طلبانه داشته باشند. این یعنی تصمیم‌گیران باید رفتارهایی را دنبال کنند که انجام آنها هزینه داشته باشد. چنین رفتارهایی به‌راحتی نمی‌توانند برای فریب‌دادن مورد استفاده قرار گیرند؛ تنها بازیگری که می‌خواهد و می‌تواند به طرز خاصی رفتار کند، توانایی و انگیزه لازم برای فرستادن چنین نشانه‌های هزینه‌بری را دارد. در فضای سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹، این موضوع که ممکن است نامه‌نویسی صدام، فریبی بیش نباشد به‌شدت مطرح بود. هاشمی‌رفسنجانی در مقدمه کتاب‌نامه‌های تبادل‌شده می‌نویسد: «ابتدا با نابوری با این ادعا (نامه اول صدام) برخورد شد، چون وضع ما و عراق در شرایطی نبود که با عرف دیپلماتیک، ارسال پیک و نامه قابل توجیه باشد. بررسی‌های ابتدایی از لحاظ درستی مضامین و امضای نامه و مهر و آرم و نشانه‌شده‌بودن حامل نامه، اطمینان نسبی ما را درخصوص صحت ادعا جلب کرد. گرچه در گذشته

۱۵ رهیافت از شخصیت آقای هاشمی

سیزدهم، هاشمی‌رفسنجانی روش‌های مخصوص به خود را داشت؛ یکی از آنها استفاده از نظریه بازی بود. نظریه بازی‌ها حوزه‌ای از ریاضیات کاربردی است که در بستر علم اقتصاد توسعه یافته و به مطالعه رفتار راهبردی بین عوامل عقلانی می‌پردازد. رفتار راهبردی، زمانی بروز می‌کند که مطلوبیت هر عامل، نه فقط به راهبرد انتخاب‌شده توسط خود وی بلکه به راهبرد انتخاب‌شده توسط بازیگران دیگر هم بستگی داشته باشد. آقای هاشمی درمورد رفتار صدام در نامه‌نویسی حدس‌های مختلفی می‌زد. در مقدمه کتاب‌نامه‌های تبادل‌شده می‌نویسد: «گرچه در تحلیل‌ها و بررسی‌های مربوط به انگیزه طرف مقابل در ارائه این ابتکار و عجله غیرمعمول در ادامه کار، ضمن احتمالات فراوان دیگر، احتمال مشکل‌داشتن با همسایه‌های عرب خود و به‌ویژه کشورهای نفت‌خیز خلیج‌فارس مطرح بود، ولی بعضی احتمالات دیگر از قبیل مشکل‌داشتن با کشورهای صنعتی طلبکار عراق و به‌خصوص آمریکا و فرانسه با مشکلات اقتصادی و اجتماعی داخلی ناشی از دوران طولانی جنگ بی‌شماری که خود راه انداخته بود و طولانی‌شدن دوره اسارت ده‌ها هزار اسیر عراقی که عمدتاً در سال‌های اول جنگ اسیر شده بودند و مخارج گزاف نگهداری این‌همه نیرو به‌خاطر دوران نه جنگ نه صلح، به‌عنوان عوامل این حرکت توجه را جلب می‌کرد و کمترین اهمیت را بر احتمال پیش‌آمدن جنگ با حامیان دیروز و از روز عراق می‌دادیم».

چهاردهم، هاشمی رهبر تک‌نقطه‌ای نبود؛ او تخصص او در تصمیم‌گیری در میان عدم قطعیت‌هاست. تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان برای زمانی است که مشکل موجود شامل تعدادی از عدم قطعیت‌ها یا متغیرهای غیرقابل‌کنترل می‌شود. درعین‌حال اطلاعاتی از گذشته به‌منظور پیش‌بینی برای این متغیرها در دسترس نبوده، ازاین‌رو محاسبه احتمال وقوع برای آنها ممکن نیست. تاکنون وضعیتی مشابه پایان جنگ برای هاشمی رخ نداده بود. در تاریخ نیز چنین تجربه‌ای کمتر وجود داشت. صدام، دیکتاتوری مخصوص به خود بود. انقلاب اسلامی پدیده منحصربه‌فرد و یکی از پنج انقلاب کبیر در جهان مدرن بود. اعراب به‌استثنای رهبران معدودی از تجاوز عراق به خاک ایران حمایت می‌کردند. قدرت‌های جهانی نیز در انتهای جنگ پشت صدام بودند. پنج عضو دائم شورای امنیت همگی دارای منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی در عراق بودند و مایل نبودند عراق در جنگ با ایران شکست بخورد. چنین وضعیت منحصربه‌فردی، تصمیم‌گیری راجع به اعمتادداشتن به صدام و نامه‌های

او را کاملاً همراه ریسک می‌کرد.

پانزدهم، با همه اینها هاشمی‌رفسنجانی یک نویسنده است و طرف مقابل او یک نظامی. صدام در نامه‌های خود برای نزدیک‌شدن به هاشمی می‌گوید: «آقای رئیس‌جمهور، این اقدامات من کلاً به این جهت صورت می‌گیرد که یقین دارم جنگجویان قادرند هم‌دیگر و مقاصد یکدیگر را سریع‌تر دریابند. اگرچه این صفت جنگجویودن در جریان یک ستیز مسلحانه فی‌مابین آنها به دست آمده باشد». اما آقای هاشمی در این دام صدام نیز نمی‌افتد و در پاسخ باز به اصول اسلامی و انسانی اشاره می‌کند.

• معاون وزارت امور خارجه از سال ۶۵ تا ۷۶

روزنه

تازه‌ترین ملاقات سیاسی باکروبی

• شرق: اعتماد آنلاین شب گذشته نوشت که اسماعیل دوستی، عضو حزب اعتماد ملی و محمدرضا عباسی‌فرد، عضو سابق شورای نگهبان و مجلس خبرگان رهبری یکشنبه دیداری سه‌ساعته با مهدی کربوبی دبیرکل محصور حزب اعتماد ملی داشتند. این چهارمین ملاقات دوستی با کربوبی است. پیش از این، افراد به صورت مجزا و فردی با کربوبی دیدار می‌کردند. پیش از این همچنین ذوالنوری، اسماعیل دوستی و محمدرضا عباسی‌فرد به صورت فردی با مهدی کربوبی دیدار کرده بودند. اعتمادآنلاین نوشته که دیدار روز گذشته، ششمین دیدار بوده است اما بنا بر برخی روایت‌ها این را هشتمین دیدار چهره‌های سیاسی با دبیرکل محصور حزب اعتماد ملی می‌دانند. حسین کربوبی، فرزند مهدی کربوبی، پیش‌تر گفته است که او و پدرش اصلاً دخالتی در ملاقات‌ها ندارند. او همچنین گفته بود، امیدواریم همان‌طور که آقای شمخانی گفتند، کشایش‌های بیشتری به وجود آید و با رفع حصر بینجامد. حسین کربوبی همچنین قیلاً گفته بود: «شنیده‌ام برخی درخواست ملاقات با آقای موسوی را هم داده‌اند». امید برای کشایش در موضوع حصر از زمانی افزایش پیدا کرد که علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، دراین‌باره صحبت کرد. او به‌تازگی در سفر خود به کردستان در جریان یک نشست دانشجویی گفته بود: «تصمیم اتخاذشده درباره ایجاد کشایش در وضعیت آقایان کربوبی، موسوی و خانم رهنورد به‌صورت تدریجی در حال انجام است. تا این لحظه اسماعیل دوستی رکورددار ملاقات‌های انجام‌شده با مهدی کربوبی است. محمدحسین کربوبی پیش از این به ایسنا گفته بود: «بعد از مرخص‌شدن پدر از بیمارستان، اعضای خانواده از جمله فرزندان، عروس‌ها و نوه‌ها هروقت بخواهند می‌توانند به ملاقات وی بروند. این دیدارها انجام می‌شود و ما هم مشکلی نداریم و هر ساعتی بخواهیم می‌توانیم به ملاقات پدر برویم. دیدار دیشب هم خیلی خوب بود و به نظر می‌رسد با این دیدارها، حال وی خیلی بهتر است. اسامی برخی افراد و زمان ملاقات آنها بعد از بررسی، انتخاب می‌شود که اولین دیدار هم دیدار ۲۰ روز پیش آقای دوستی با مهدی کربوبی بوده و از آن زمان دیگر دیداری با پدر انجام نشده است».



۱۵۴۴

اینترنت یک، آسیاتک

اینترنت یک، آسیاتک

اینترنت یک، آسیاتک

دارای مجوز FCP به شماره ۱۶-۹۴-۱۰۰ از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی